

1.

A: I hope to be famous someday.

B: Really? Famous for what?

A: Oh, it doesn't really matter. Maybe I'll be a singer, or an actor... or maybe a professional baseball player.

B: Well, good luck!

نکته 1: همین اول کار به الگوی قشنگ داریم.

"I hope to be famous someday."

امیدوارم به روزی مشهور بشم.

الگومون چیه؟ یا مثال یاد بگیر.

I hope to see you again soon.

امیدوارم به زودی دوباره ببینمت.

I hope to hear from you soon.

امیدوارم به زودی ازت با خبر بشم.

I hope to be rich someday.

امیدوارم به روزی ثروتمند بشم.

I hope to be a teacher someday.

امیدوارم به روزی معلم بشم.

راستی وقتی به کسی یا چیزی famous باشه، "مشهوره / معروفه".

This town is famous for its buildings.

این شهر بخاطر ساختمان هاش معروفه.

I meet famous people every day.

من هر روز آدمهای مشهورو میبینم.

اما حواست باشه که هر آدم famous ای نمیتونه popular یا محبوب باشه!

نکته 2: در ادامه نقر اول میگه

"Oh, it doesn't really matter. Maybe I'll be a singer, or an actor ... or maybe a professional baseball player."

اوه، واقعا مهم نیست. شاید به خواننده یا به بازیگر بشم ... یا شاید به بازیکن حرفه ای پیس بال.

وقتی میگی **It doesn't matter** یعنی "اهمیتی نداره / مهم نیست". این **matter** (اینجا) نقش فعل رو داره، یعنی "اهمیت داشتن / مهم بودن".

Will it **matter** if I'm a little late?

اگه به ذره دیر کنم اهمیتی داره / مساله ایه؟

Does it **matter** what I think?

مهمه چه فکری میکنم؟

It doesn't **matter** what you wear.

مهم نیست چی پوشی.

It does not **matter** that he's alone.

مهم نیست که تنهاست.

حالا فعلا شما تمرکزت روی **It doesn't matter** باشه که در محاوره کاربرد داره و (اینجا) به really هم بهش اضافه کرده.

"It doesn't really matter."

واقعا مهم نیست / واقعا اهمیتی نداره.

در نهایت نقر دوم هم میگه

"Well, good luck!"

2.
 A: I don't care about making a lot of money. I just want to have a job that I love.
 B: Really? What kind of work do you want to do?
 A: I'm not sure yet. Maybe be a doctor. But I want to be look forward to going to work every day.

نکته 3: اینجا نفر اول میگه

"I don't care about making a lot of money. I just want to have a job that I love."

کاری نداریم که داره شغار میده، داره میگه "پول خیلی زیاد درآوردن برام مهم نیست. فقط میخوام شغلی داشته باشم که عاشقش هستم."

وقتی میگي **I don't care** یعنی "برام مهم نیست / برام اهمیتی نداره". با مثال ها این نکته رو یاد بگیر.

I don't care what they say.

برام مهم نیست چی میگن.

I don't care what they might say.

برام مهم نیست ممکنه چی بگن.

اگه خواستی بعدش حرف اضافه پیاری میتونی از about استفاده کنی.

I don't care about his opinion.

نظرش برام اهمیتی نداره.

I don't care about what you think.

پرام مهم نیست به چی فکر میکنی.

I don't care how much it costs, just buy it.

پرام مهم نیست هزینه اش چقدر میشه، فقط بخرش.

میدونی که بعد از حروف اضافه فعل به صورت ing دار میاد. به همین دلیل اینجا میگه

"I don't care about making a lot of money."

راستی به کالوکیشن **make money (to)** توجه کن. یعنی "پول درآوردن". مثلاً

I'm sure Akbar makes a lot of money.

مطمئنم اکبر آقا خیلی پول درمیاره.

نکته 4: نفر دوم تعجب میکنه و میگه

"Really? What kind of work do you want to do?"

واقعا؟ چه نوع کاری میخواهی انجام بدی؟

اول به تفاوت بین job و work اشاره کنم.

به طور کلی **job** به اسم هست و به کاری اشاره میکنه که فرد جهت تامین مخارج زندگی انجام میدهد. در واقع به مسولیتی اشاره میکنه که اون شخص نسبت به کارفرمای خودش داره و پاید انجامش پده چون به واسطه اون کار حقوق میگیره.

در مقابل **work** میتونه به فعالیت ذهنی باشه، میتونه به فعالیت فیزیکی باشه که برای رسیدن به یه هدفی یا تولید چیزی انجام میشه که هم میتونه اسم باشه هم فعل.

work معنای وسیع تری داره و میتونه به همه نوع فعالیتی اشاره کنه که اون شخص میتونه در محل کار یا بیرون از محل کار انجامش پده. میدونین؟! حتی وظایفی که فرد در خونه و خانواده داره هم work بحساب میاد. مثل تمیز کردن خونه یا غذا پختن.

یا اینکه work میتونه فعالیتت باشه که فرد چون بهش علاقه داره انجامش میده مثل تعمیر وسایل برقی. نکته مهمی که میشه گفت اینه که work همیشه به معنا و مفهوم دریافت پول نیست.

پریم سراغ مکالمه. نفر اول اینجوری جواب میده

"I'm not sure yet. Maybe be a doctor. But I want to be look forward to going to work every day."

هنوز مطمئن نیستم. شاید دکتر بودن. اما میخوام هر روز برای رفتن به سر کار مشتاق باشم.

همون جمله اول خودش خوشگل و کاربردی.

I'm not sure yet.

هنوز مطمئن نیستم.

نکته مهمی که اینجا هست کاربرد **(to) look forward to doing something** هست. یعنی "مشتاقانه/بی صبرانه منتظر انجام کاری بودن". اینجا to نقش حرف اضافه رو داره و بعدش فعل به صورت ing دار میاد. میتونی از اسم یا گروه اسمی هم استفاده کنی.

We look forward to hearing from you soon.

مشتاقیم زودتر ازت با خبر بشیم.

I look forward to your class after the New Year.

بی صبرانه منتظر کلاستون بعد از سال جدید هستم.

I look forward to meeting you next week.

بی صبرانه منتظر هفته ی آینده پیمنتون.

نکته 5: اینجا نفر اول میگه

"I love children. I hope to have a big family."

من عاشق بچه هام. امیدوارم یه خانواده بزرگ داشته باشم.

به کالوکیشن big family توجه کن.

نفر دوم میگه

"Oh? How many children do you want to have?"

اوه؛ چندتا بچه میخواهی داشته باشی؟

3.

A: I love children. I hope to have a big family.

B: Oh? How many children do you want to have?

A: Oh, maybe four or five.

B: Four or five? Better you than me!

نفر اول هم میگه

"Oh, maybe four or five."

اوه، شاید چهار یا پنج تا.

در نهایت نفر دوم اینچوری جواب میدهد

"Four or five? Better you than me!"

چهار یا پنج تا؛ چه حال و حوصله ای داری!

اینجا به اصطلاح قشنگ داریم. وقتی میگي **Better you than me** یعنی "خدا به دادت پرسه /

من که نمیخوام / چه حال و حوصله ای داری".

در واقع زمانی از این اصطلاح استفاده میکنیم که طرف مقابل به یه موقعیتی یا چیزی اشاره میکنه که باید انجامش بده یا قهره در گیرش بشه و ما از این پارت که معجزه نیستیم اون موقعیت یا شرایط رو تجربه کنیم خیلی خوشحالیم.

نکته 6: اینجا هم مکالمه مون با یه الگوی دوست داشتنی شروع میشه.

"I've always dreamed of learning to surf."

همیشه رویای یادگیری موج سواری رو در سر داشته ام.

چرا حال کامل؟! چون هنوزم این رویارو داره!

I've always dreamed of being a teacher.

همیشه رویای معلم بودن رو در سر داشته ام.

4.
A: I've always dreamed of learning to surf.
B: Surf? Isn't surfing difficult? And dangerous?
A: Well, yeah, but I've heard it's lots of fun. I really want to try it.
B: Okay, okay. But maybe you should learn to swim first.
A: Yeah, I guess so.

He's always dreamed of learning English.

همیشه رویای یادگیری زبان انگلیسی رو در سر داشته.

They've always dreamed of going abroad.

همیشه رویای رفتن به خارج رو در سر داشته اند.

دقت کن که surf یعنی "موج سواری".

نفر دوم هم تعجب میکنه و میگه

"Surf? Isn't surfing difficult? And dangerous?"

موج سواری؟ موج سواری سخت نیست؟ و خطرناک؟

وقتی چیزی difficult باشه، "سخت / دشواره".

It's really difficult to read your writing.

خوندن نوشتنه هات واقعا سخته.

He's finding it **difficult** to get a job.

بدست آوردن شغل په نظرش سخته.

The homework was really **difficult**.

تکلیف خیلی سخته بود.

سهیل!؛ از **hard** هم همیشه استفاده کرد!؛ پلههههههههههه!

hard توی محاوره خیلی رایج تره.

صفت **dangerous** یعنی "خطرناک".

This lake is **dangerous** for swimmers.

این دریاچه برای شناگرها خطرناکه.

The traffic here is very **dangerous** for children.

ترافیک اینجا برای بچه ها خیلی خطرناکه.

It is **dangerous** to play with matches.

بازی با کبریت خطرناکه.

نکته 7: نفر اول اینجوری جواب میده

"Well, yeah, but I've heard it's lots of fun. I really want to try it."

خب، بله، اما شنیده ام خیلی خوش میگذره. واقعا دوست دارم امتحانش کنم.

وقتی میخوای بگی شنیدم میتونی از **I've heard** یا **I heard** استفاده کنی و حالشو پیری!

وقتی میگی **It has lots of fun** یعنی "اون کار و انجامش خیلی باحاله و کلی خوش میگذره".

که نفر دوم از یه الگوی قشنگ استفاده میکنه و میگه

"Okay, okay. But maybe you should learn to swim first."

باشه، باشه. اما شاید باید اول شنا کردن رو یاد بگیري.

مثلا میتونی بگی

Maybe you should call him first.

شاید باید اول پشه زنگ بزنی.

Maybe you should learn to drive it first.

شاید باید اول رانندگی رو یاد بگیري.

Maybe you should start walking first.

شاید اول باید پیاده روی رو شروع کنی.

که نفر اول هم حرف نفر دوم رو اینچوری تایید میکنه

"Yeah, I guess so."

یعنی "بله، منم اینطور فکر میکنم".

به جای اینکه بگی I guess I should learn to swim first خیلی راحت میگه I guess so.

پس موقعیت رو به ذهنت بسپار و حواست باشه که توی یه چنین موقعیت هایی میتونی برای موافقت و تایید حرف طرف مقابل از I think so یا I guess so استفاده کنی و حالشو پیری!

5.

A: I really hope to graduate from college.

B: That's great. What college do you want to go to?

A: Oh, I'm still in high school. I'm studying for my exams at the moment.

B: Oh. Well, study hard. And good luck!

نکته 8: اینجا اومده امید خودشو با really گفته و شدت رو برده بالا.

"I really hope to graduate from college."

واقعا امیدوارم / خیلی امیدوارم که از دانشگاه فارغ التحصیل بشم.
الگوش ساده س.

I really hope to do something

مثلا

I really hope to buy the tickets.

خیلی امیدوارم که بلیط هارو بخرم.

I really hope to win that cell phone.

خیلی امیدوارم اون گوشی رو ببرم.

که نفر دوم میگه

"That's great. What college do you want to go to?"

عالیه. چه دانشگاهی میخواهی بری؟

نفر اول جواب میده

"Oh, I'm still in high school. I'm studying for my exams at the moment."

اوه، من هنوز دبیرستانم. در حال حاضر دارم برای امتحاناتم میخوانم.

به ترکیب I'm still توجه کن!

I can't drive. I'm still learning.

نمیتونم رانندگی کنم. هنوز دارم یاد میگیرم.

I'm still trying to quit smoking.

هنوز دارم سعی میکنم سیگار کشیدن رو بذارم کنار.

Mum, I'm still hungry!

مامان، هنوز گرسنه ام.

نفر دوم هم میگه

"Oh. Well, study hard. And good luck."

اوه، خوب، حسابی درس بخون، و موفق باشی.

6.

A: My dream is to have a big house someday.

B: Really?

A: Yeah. I want four bedrooms, a big yard, a 3-car garage, a pool...

B: Hey, sounds nice. Can I come visit?

نکته 9: اینجا هم به الگوی قشنگ دیگه برای گفتن رویاهامون داریم.

"My dream is to have a big house someday."

رویام اینه که به روزی به خونه بزرگ داشته باشم.

الگوش چیه؟!

My dream is to do something someday.

رویام اینه که به روزی فلان کارو انجام بدم.

مثلا

My dream is to be a doctor someday.

رویام اینه که به روزی دکتر بشم.

My dream is to have a great car someday.

رویام اینه که به روزی به ماشین عالی داشته باشم.

My dream is to have a lot of money someday.

رویام اینه که به روزی کلی پول داشته باشم.

که در ادامه هم نمونه ی روپایی خودش رو توصیف میکنه و میگه

"I want four bedrooms, a big yard, a 3-car garage, a pool ..."

چهار اتاق خواب میخوام، یه حیاط بزرگ، یه پارکینگ سه ماشینه، یه استخر و ...

1.

Well, unfortunately this summer I'm going to study for my exams. I'd like to take a vacation, but this is my last summer

for studying... my exams are next spring. Next summer I can have fun!

نکته 10: ایشون جمله ش رو اینجوری شروع میکنه

"Well, unfortunately this summer I'm going to study for my exams."

خب، متأسفانه این تابستون میخوام برای امتحاناتم درس بخونم.

از آینده قصدی برای صحبت در مورد برنامه قطعی آینده استفاده میکنه که بلدیید لغتی که داریم **unfortunately** هست که با چندتا مثال این لغت رو مرور میکنیم. یعنی "متأسفانه / از شانس بد".

Unfortunately, my time is limited.

متأسفانه، زمانم محدوده.

Unfortunately, you were out when we called.

متأسفانه، وقتی زنگ زدیم تو بیرون بودی.

Unfortunately, I've got too much to do.

متأسفانه، کلی کار برای انجام دادن دارم.

در ادامه میگویم

"I'd like to take a vacation, but this is my last summer for studying ... my exams are next spring. Next summer I can have fun!"

دلتم میخواهد پریم تعطیلات، اما این آخرین تابستون من برای درس خواندن ... امتحاناتم بهار آینده س. تابستون آینده میتونم خوش بگذرونم.

ایشون از دو تا الگوی کاربردی در صحبت هاش استفاده کرد.

I'm going to do something

قصد دارم فلان کارو انجام بدم.

I'd like to do something

دلتم میخواهد فلان کارو انجام بدم.

یه نکته ریز هم بهت بگم. میتونیم **next** رو "آینده" معنی کنیم. مثلاً

We're going to Mashhad **next** summer.

تابستون آینده داریم میریم مشهد.

I have to work hard **next** spring.

بهار آینده مجبورم سخت کار کنم.

2.

I'm going to try to get a part-time job. I think I might work at a clothing store or a movie theater. I wish I could just relax this summer, but I really need to make money.

نکته 11: ایشونم از آینده قصدی استفاده میکنه و میگویم

"I'm going to try to get a part-time job."

میخواهم سعی کنم به شغل پاره وقت بدست پیارم (پیدا کنم).

الگوی قشنگی داریم.

I'm going to try to do something

قصد دارم (میخواهم) سعی کنم فلان کارو انجام بدم.

مثلا

I'm going to try to learn French.

میخواهم (قصد دارم / برنامه دارم پرانش) سعی کنم فرانسوی یاد بگیرم.

He's going to try to earn more money.

میخواهد سعی کند پول بیشتری بدست پیاره.

She's going to try to start exercising.

قصد داره تلاش کند ورزش کردن رو شروع کند.

که در ادامه میگذرد

"I think I might work at a clothing store or a movie theater."

فکر کنم ممکنه در یک فروشگاه لباس یا سالن سینما کار کنم.

خود think با might هم زیاد بکار میبره و الگوی خوبیه.

I think I might do something

فکر کنم ممکنه فلان کارو انجام بدم.

مثلا

I think I might stay here tonight.

فکر کنم ممکنه امشب (اینجا) بمونم.

I think I might have to borrow some money.

فکر کنم ممکنه مجبور بشم یکم پول قرض بگیرم.

به حرف اضافه ی at هم توجه کن که به همراه work زیاد بکار مییره!

نکته 12: در ادامه به ساختار خوشگل با wish داریم.

"I wish I could just relax this summer, but I really need to make money."

ای کاش تابستون آینده میتونستم فقط استراحت کنم، اما واقعا باید (لازمه) پول دربیارم.

الگومون چیه؟!

I wish I could do something

ای کاش میتونستم فلان کارو انجام بدم

I wish I could just do something

این از اولی شدتش پیشتره. همین!

مثلا

I wish I could help you, but I can't.

ای کاش میتونستم کمکت کنم، اما نمیتونم.

I wish I could sing like her.

ای کاش میتونستم مثل اون آواز بخونم.

I wish I could stop biting my nails.

ای کاش میتونستم ناخن جویدنم رو متوقف کنم.

I wish I could go back to my school days.

ای کاش میتونستم برگردم به دوران مدرسه ام.

راستی کالو کیشن (to) make money یعنی "پول درآوردن".

We're here to **make money**.

اینجایم که پول درپیاریم.

I wish I could **make more money**.

ای کاش میتونستم پول پیشتری درپیارم.

I'm going to **make more money** this summer.

این تابستون قصد دارم پول پیشتری درپیارم.

3.

I'm going to visit my grandparents this summer. I haven't seen them for a few years, and it'll be great to spend time with them. I'll miss my friends, but I know we'll text all the time as usual!

نکته 13: ایشونم با آینده قصدی جمله ش رو شروع میکنه و میگه

"I'm going to visit my grandparents this summer."

قصد دارم این تابستون (میخوام) پدرینرگ و مادرینرگم رو ببینم.

یه نکته ی ریز بهت بگم حالشو پیری!

توی انگلیسی معاوره ای به جای **visit** معمولاً از **go to see** یا **come to see** استفاده میشه!

به جان خودم!

یعنی به جای جمله ی بالا میتونی بگی

I'm going to go to see my grandparents this summer.

این خیلی رایج تره!

در ادامه میگه

"I haven't seen them for a few years, and it'll be great to spend time with them."

از حال کامل استفاده میکنه، چون داره به موقعیتی اشاره میکنه که در گذشته شروع شده و هنوزم ادامه داره، هنوزم پدر بزرگ و مادر بزرگشو ندیده!

این **a few** به تعداد کمی اشاره میکنه. یعنی "چندتا / تعدادی". مثلاً

I have **a few** friends.

چندتا دوست دارم. (تعدادشون زیاد نیست، ولی کافیه)

It happened **a few** minutes ago.

چند دقیقه پیش اتفاق افتاد.

I have **a few** problems with my car.

چندتا مشکل با ماشینم دارم. (در واقع یعنی ماشینم چندتا مشکل داره).

اینجا هم داره میگه "چند ساله اونارو ندیده ام، و وقت گذروندن پاهاشون عالی میشه."

به کالوکیشن **(to) spend time with someone** توجه کن. یعنی "با کسی وقت گذروندن".

I love to **spend time with** Akbar.

عاشق وقت گذروندن با اکبر آقام.

نکته 14: در ادامه میگه

"I'll miss my friends, but I know we'll text all the time as usual."

دلَم برای دوستام تنگ میشه، اما میدونم که طبق معمول همیشه پیام میدیم.

اینجا **as usual** رو داریم، یعنی "طبق معمول".

As usual, there weren't many people at the meeting.

طبق معمول، آدم های زیادی توی جلسه نبودن.

He arrived late **as usual**.

طبق معمول دیر رسید.

I got up at six that morning **as usual**.

اون روز صبح طبق معمول ساعت شش از خواب بیدار شدم.

4.

I'm going to study Spanish in Spain this summer. I'm going to live with a Spanish family, so I'll have to speak Spanish all the time. I'm kind of nervous, but really excited. I hope to make lots of new friends and improve my Spanish!

نکته 15: بازم آینده قصدی!

"I'm going to study Spanish in Spain this summer."

این تابستون میخوام در اسپانیا زبان اسپانیایی بخونم.

"I'm going to live with a Spanish family, so I'll have to speak Spanish all the time."

میخوام (قصد دارم) با یه خانواده اسپانیایی زندگی کنم، بنابراین مجبور میشم همیشه می‌شه اسپانیایی صحبت کنم.

وقتی میگی **I will have to do something** یعنی "مجبور خواهم شد / مجبور میشم فلان

کارو انجام بدم".

I'll have to write it all over again.

مجبور میشم دوباره همش رو بنویسم.

I'll have to ask my boss for a day off.

مجبور میشم از ریسم یه روز مرخصی درخواست کنم.

I'll have to do it all myself!

مجبور میشم همه ش رو خودم انجام بدم.

نکته 16: در ادامه می‌گه

"I'm kind of nervous, but really excited."

یه جورایی عصبی ام، اما واقعا هیجان زده ام.

این **kind of** یعنی "یه جورایی" و خیلی هم کاربردیه.

I'm kind of hungry. How about you?

یه جورایی گرسنه ام. تو چطور؟

I'm kind of glad I didn't win.

یه جورایی خوشحالم که نبردم.

I'm kind of busy now, can I call you back?

الان یه جورایی سرم شلوغه، میتونم باهات تماس بگیرم؟

در نهایت هم از hope استفاده میکنه و میگه

"I hope to make lots of new friends and improve my Spanish."

امیدوارم کلی دوست جدید پیدا کنم و زبان اسپانیاییمو ارتقا بدم.

به کالوکیشن **(to) make a friend** توجه کن. یعنی "دوست پیدا کردن". مثلا میتونی بگی

I made lots of new friends there.

اونجا کلی دوست جدید پیدا کردم.

این **lots of** هم حالت محاوره ای a lot of هست. یعنی "خیلی زیاد".

فعل **improve** یعنی "پیشرفت کردن / ارتقا دادن / بهتر کردن".

It's never too late to improve your diet.

ارتقا دادن / بهتر کردن رژیمت هیچ وقت دیر نیست.

Don't expect it to improve overnight.

انتظار نداشته باش به شبه بهتر بشه.

I need to **improve** my English.

باید انگلیسیمو بهتر کنم.

5.

Actually, I don't have big plans for the summer. I'll probably just hang around at home and play video games and sleep a lot. I'm always studying during the school year, and I had a job last summer, so it'll be nice to just relax and take it easy for a change.

نکته 17: ایشون برنامه ی خاصی نداره و میگه

"Actually, I don't have big plans for the summer."

در حقیقت / در واقع، برای تابستون برنامه های خاصی ندارم.

این **actually** هم خیلی رایج و کاربردی.

Well, what did she **actually** say?

خب، در واقع چی گفت؟

She looks young, but she's **actually** 50.

چون بنظر میبرسه، اما در واقع پنجاه سالشه.

That's the only reason I'm **actually** going.

این تنها دلیلی که در واقع دارم میرم.

در ادامه میگه

"I'll probably just hang around at home and play video games and sleep a lot."

فریزال ورپ **hang around** یعنی "ول گشتن / پلکیدن / وقت رو په بطالت کډرونډن".

داره میږه "احتمالا فقط توی څوڼه ول میگردم و بازی کامپیوتری میکنم و حسابی میخوایم."

She's just **hanging around** at home these days.

این روزا فقط داره توی څوڼه وقتشو په بطالت میگذرونه.

I went out and **hung around** at the park.

رفتم بیرون و توی پارک ول گشتم.

Stop **hanging around**. Come here and help me.

ول گشتن پسه. بیا اینجا و کمکم کن.

نکته 18: در ادامه میږه

"I'm always studying during the school year, and I had a job last summer, so it'll be nice to just relax and take it easy for a change."

من همش دارم در طول سال تحصیلی درس میخوانم، و تابستون قبلی هم شاغل بودم، بنابراین څوڼه همیشه که فقط استراحت کنم و په پارم که شده / محض تنوع هم که شده سخت نگیرم.

په الگوی خوشگل دیکه داریم.

I'm always doing something

یعنی "همش دارم فلان کارو انجام میدم."

مثلا

I'm always working these days.

این روزها همش دارم کار میکنم.

He's always watching TV.

همش داره تلویزیون میپینه.

My mother is always nagging.

ماتنم همش داره غر میزنه.

وقتی شما **relax** میکنی، در واقع "استراحت میکنی".

I just want to sit down and relax.

فقط میخوام بشینم و استراحت کنم.

Just relax and enjoy the movie.

فقط استراحت کن و از دیدن فیلم لذت ببر.

Don't worry about it, just try to relax.

نگرانش نباش، فقط سعی کن استراحت کنی.

وقتی شما به کاری رو **for a change** انجام بدی، در واقع "محض تنوع یا برای یپارم که شده انجامش میدی". یعنی "برخلاف معمول / برخلاف همیشه" انجامش میدی.

Let's take a walk for a change.

بیا برای تنوع یه قدمی بزنیم.

Can you just listen to me for a change?

میتونی برای یپارم که شده به من گوش بدی؟

I usually take the bus to work, but today I walked for a change.

من معمولا با اتوبوس میرم سر کار، اما امروز برای تنوع / برخلاف همیشه پیاده رفتم.

وقتی شما **take it easy** کنی، سخت نمیگیری، یا به خودت آسون میگیری. البته کارهای مختلف داره که فعلا اینجا بپیکیش کار داریم. مثلا به طرف مقابل میگی

Take it easy.

سخت نگیر.

Let's take it easy.

پیا سخت نکیریم.

Let's **take it easy** for a change.

پیا برای پیارم که شده سخت نکیریم.

6.

I'm going to spend most of the summer babysitting for my little sister. My parents both have to travel a lot for work, and my sister is too young to stay home by herself. It's not really fair; I'd rather hang out with my friends.

نکته 19: ایشون میگه که

"I'm going to spend most of the summer babysitting for my little sister."

یکی از الگوی های spend به این صورته.

(to) spend time doing something

زمانی رو به انجام کاری گذروندن

مثلا میگم

I'm going to **spend** all my free time playing video games.

میخوام تمام اوقات فراغتم رو به بازی کردن بگذرونم. (بازی کامپیوتری)

She **spent** the weekend studying.

آخر هفته رو به مطالعه کردن گذروند.

They always **spend** most of the summer traveling.

اون همیشه بیشتر تابستون رو به سفر کردن میگذرونن.

این **babysit** یعنی "بچه داری کردن". یعنی زمانی که پدر و مادر بچه نیستن و برای مدت کوتاهی جایی رفتن، از بچه مراقب کنی.

He used to **babysit** for Maryam when his wife worked nights.

قبلا وقتی همسرش شب ها کار میکرد از مریم مراقب میکرد.

I promised to **babysit** for his kids.

قول دادم تا مراقب بچه هاش باشم. (قول دادم که برایش بچه داری کنم).

Could you **babysit** for us on Friday?

میتونی جمعه مراقب بچه مون باشی؟

اگه بعد از **for** از بچه صحبت کنیم، مثلا اسمش رو بپاریم، یعنی از اون بچه مراقب کردن.
اگه بعد از **for** اسم پدر و مادرش رو بپاریم یا کلا به پدر یا مادرش اشاره کنیم، یعنی در بچه داری و نگه داری از بچه به اون پدر یا مادر کمک کردن. یعنی بعد از **for** دو حالت داریم.
دیگه خودت میتونی جمله اول رو ترجمه کنی و حالشو پبری!

نکته 20: در ادامه میگه

"My parents both have to travel a lot for work, and my sister is too young to stay home by herself."

پدر و مادرم چفتشون برای کار باید زیاد سفر کنن (باید سفرهای کاری زیاد بدن)، و خواهرم برای اینکه خودش تنها تووی خونه بمونه خیلی کوچیکه.

به کاربرد **both** توجه کن. یعنی "هر دو".

Both her children still live at home.

هر دو بچه ش هنوز توی خونه زندگی میکنن.

You can **both** swim, can't you?

هر دو تون میتونین شنا کنین، نمیتونین؟

Both my grandfathers are farmers.

هر دو پدر پزرگم کشاورزن.

Both boys were tall.

هر دو تا پسرا قد بلند بودن.

راستی، از both معمولا در جمله های منفی استفاده نمیشه.

وقتی شما به کاری رو **by yourself** انجام بدی، خودتون تنها انجامش میدی!

I did this **by myself**.

خودم تنها انجامش دادم.

She can't stay home **by herself**.

نمیتونه تنها توی خونه بمونه.

He has to do it **by himself**.

باید تنها انجامش بده.

They have to solve this problem **by themselves**.

باید خودشون این مسله رو حل کنن.

You should make your bed **by yourself**.

خودت باید تختت رو مرتب کنی.

We walked home **by ourselves**.

خودمون (تنها) پیاده اومدیم خونه.

نکته 21: در نهایت هم میگه

"It's not fair; I'd rather hang out with my friends."

عادانه نیست، ترجیح میدم با دوستام وقت بگذرونم.

وقتی به چیزی **fair** باشه، یعنی "عادله س".

Life isn't **fair**, but it's still good.

زندگی عادله نیست، اما هنوز خوبه.

I think it's **fair**.

فکر میکنم عادله س.

وقتی میگی **I'd rather do something** یعنی "ترجیح میدم فلان کارو انجام بدم".

I'd rather have tea than coffee.

ترجیح میدم چایی بخورم تا قهوه.

I'd rather talk about something else.

ترجیح میدم در مورد چیز دیگه ای صحبت کنم.

I'd rather stay at home than go for a walk.

ترجیح میدم خونه بمونم تا برم پیاده روی.

I'd rather walk than take a bus.

ترجیح میدم پیاده برم تا با اتوبوس.

اگه هم خواستی حالت منگی بگی الگو اینجوری همیشه

I'd rather NOT do something

ترجیح میدم فلان کارو انجام ندم.

نکته 22: اینجا نفر اول میگه

"So, Jake, any plans for after you graduate?"

خب، جیک، برنامه ای برای بعد از اینکه فارغ التحصیل بشی داری؟

فعل graduate یعنی "فارغ التحصیل شدن".

1.

A: So, Jake, any plans for after you graduate?

B: Well, I don't think I want to get a job right away. I might want to travel.

A: Really? Where do you want to go?

B: Well, it would be great to go to Africa... and maybe South America. Oh, and China.

A: Wow!

B: But I'll have to make some money first, I guess... maybe get a job...

What are you going to do after you graduate?

بعد از اینکه فارغ التحصیل شدی میخوای چیکار کنی؟

I plan to graduate in July.

میخوام توی ماه جولای فارغ التحصیل بشم.

I wanted to graduate from this college.

میخواستم از این دانشگاه فارغ التحصیل بشم.

نفر دوم میگه

"Well, I don't think I want to get a job right away. I might want to travel."

خب، فکر کنم نخواهم فوراً کار پیدا کنم. ممکنه بخوام برم سفر.

خواست باشه که خیلی رایجه که بگیریم

I don't think I want to get a job right away.

تا اینکه بگیریم

I think I don't want to get a job right away.

یعنی اینجور وقتاً رایج تره که think رو منفی کنیم و قسمت دوم جمله رو مثبت بیاریم.

کالو کیشن **(to) find a job** یا **(to) get a job** یعنی "کار پیدا کردن".

اینجا **get** رو میتونیم "پیدا کردن" معنی کنیم.

این **right away** یعنی "فورا / بلافاصله".

Please check it **right away**.

لطفاً فورا چکش کن.

He wants to see you **right away**.

میخواد فورا تورو ببینه.

I'll call him **right away**.

فورا بهش زنگ میزنم.

و در نهایت این الگورو داریم.

I might want to do something

شاید بخوام فلان کارو انجام بدم.

مثلاً

I might want to get a new job.

شاید بخوام یه شغل جدید پیدا کنم.

He might want to graduate this month.

شاید بخواد این ماه فارغ التحصیل بشه. (دقت کن بعد از **might** شکل ساده فعل رو میاریم).

They might want to stay here.

شاید بخوان اینجا بمونن.

نکته 23: در نهایت نفر دوم می‌گه

"But I'll have to make some money first, I guess ... maybe get a job ..."

اما معذور می‌شوم اول یکم پول درپیارم، فکر کنم ... شاید یه شغل پیدا کنم ...

الگو چیه؟!

I'll have to do something first

معذور می‌شوم (معذور خواهم شد) اول فلان کارو انجام بدم.

مثلا

I think you'll have to talk to him first.

فکر کنم اول معذور می‌شوی باهاش حرف بزنی.

I'll have to see him first.

اول معذور می‌شوم ببینمش.

2.

A: What are you doing after you graduate, Libby?

B: I'm going to medical school.

A: You're kidding... more school?

B: Yeah, it'll take six years to get my medical degree.

A: Well, good for you. I know you'll be a great doctor.

نکته 24: اینجوا نفر اول از حال استمراری برای پرسیده برنامه طرف مقابل استفاده میکنه و میپرسه

"What are you doing after you graduate, Libby?"

لیبی، بعد از فارغ التحصیل شدن چیکار میکنی؟ (برنامه ت چیه؟)

شروع کن به تمرین کردن!

What are you doing after you find a new job?

بعد از پیدا کردن یه شغل جدید چیکار میکنی؟ (برنامه ت چیه؟)

What are you doing after you get married?

بعد از ازدواج کردن چیکار میکنی؟ (برنامه ت چیه؟)

ایشونم با حال استمراری جواب میده و میگه

"I'm going to medical school."

میوم دانشگاه پزشکی. (یه چنین برنامه ای دارم)

که نفر اول جا میخوره و میگه

"You're kidding ... more school?"

شوخی میکنی ... بازم دانشگاه؟ بازم درس؟

دقت کن اینجا اگه **more** رو "پیشتر" معنی کنیم، اصلا جالب نمیشه!

این **You're kidding** هم پشتت کاربردیه. وقتی کسی یه چیزی بپتون میگه که عجیب و غریبه یا یهو جا میخورید و پاورش سخته، میتونین بگین

You're kidding.

شوخی میکنی.

مثلا

Are you kidding?

داری شوخی میکنی؟

نکته 25: نفر دوم هم میگه

"Yeah, it'll take six years to get my medical degree."

بله، شش سال طول خواهد کشید (طول میکشه) تا مدرک پزشکیمو بگیرم.

الگوی قشنگیه.

It will take two weeks to finish this job.

دو هفته طول میکشه تا این کارو تموم کنم.

It will take three days to fix your car.

سه روز طول میکشه تا ماشینت رو تعمیر کنم.

واژه ی **degree** اینجا یعنی "مدرک" و **medical** هم یعنی "پزشکی".

He received a doctor's degree.

مدرک دکتری دریافت کرد.

She has a degree in biology.

در رشته ی زیست مدرک داره.

He wants to study for a law degree.

میخواد برای مدرک حقوق بخونه.

نقد اول هم میگه

"Well, good for you. I know you'll be a great teacher."

خب، خوش به حالت. میدونم که یه معلم عالی میشی..

وقتی به طرف مقابل میگي **Good for you** یعنی "خوش به حالت".

Good for him.

خوش به حالش.

حتی جمله دومش هم قشنگه. کلا تمام مکالمات این کتاب قشنگه!

I know he will be a great actor.

میدونم که یه بازیگر عالی میشه.

I know you will tell the truth soon.

میدونم که به زودی حقیقت رو میگی.

I know she will tell you something about it.

میدونم که به چیزی در موردش بهت میگه.

به همین راحتی میتونی جمله سازی کنی!

3.

A: What are you going to do after you graduate, Mary?

B: I might try to find my own apartment.

A: Where do you want to live?

B: I'm not sure. I want to live near my family, but I dream about living close to the beach.

A: That's a hard decision.

B: It will probably be difficult to find an apartment by the beach.

نکته 26: اینجا نگر دوم اینجوری در مورد برنامه ش جواب میده

"I might try to find my own apartment."

ممکنه تلاش کنم آپارتمان خودم رو پیدا کنم.

الگومون چیه؟!

I might try to do something

ممکنه تلاش کنم فلان کارو انجام بدم.

به کاربرد own بعد از صفت ملکی هم توجه کن. برای تاکید روی مالکیت بکار میبره.

I saw it with my own eyes.

با چشمهای خودم دیدمش.

She finally got her **own** TV show.

بالاخره برنامه ی تلویزیونی خودش رو بدست آورد.

Do your **own** work.

کار خودتو بکن.

Try to do your **own** homework.

سعی کن تکالیف خودت رو انجام بدی.

This is my **own** house.

این خونه ی خودمه.

نکته 27: نفر دوم در ادامه میگه

"I'm not sure. I want to live near my family, but I dream about living close to the beach."

مطمئن نیستم. میخوام نزدیک خانواده ام زندگی کنم، اما رویای زندگی کردن نزدیک ساحل رو دارم.

به الگوی **dream** توجه کن. قشنگه!

I dream about something / doing something

یعنی "رویای فلان چیز رو دارم / رویای انجام فلان کارو دارم."

I **dream about** being with you forever.

رویای همیشه با تو بودن رو دارم.

I often **dream about** flying.

اغلب رویای پرواز کردن رو دارم.

این **close** اینجا نقش صفت رو داره و با حرف اضافه ی to هم زیاد بکار میره. به معنای

"نزدیک". به تلفظش هم دقت کن.

She sat on a chair **close** to the window.

روی صندلی کنار پنجره نشسته.

His eyes were small and **close** together.

چشمهای کوچک و نزدیک به هم بود.

I live **close** to the bank.

نزدیک بانک زندگی میکنم.

4.

A: What are you going to do after you graduate, Matt?

B: I'm going to be an actor. I'm moving to Hollywood next week!

A: Do you have an acting job already?

B: Oh, that's going to be a surprise!

نکته 28: نفر دوم (اینجا) میخواهد بازیگر بشود و میگه

"I'm going to be an actor. I'm moving to Hollywood next week!"

میخواهم به بازیگر بشوم. هفته آینده دارم میهم هالیوود (دارم به اونجا نقل مکان میکنم).

نفر اول اینجوری سوال میپرسه

"Do you have an acting job already?"

(اینجا) **already** رو بهتره "الان" / در حال حاضر " ترجمه کنیم.

داره میپرسه الان / در حال حاضر شغل بازیگری داری؟ الان پیشنهاد کار داری؟ قبل اینکه اصلا بدی، کار و پارو هماهنگ کردی؟

که نفر دوم میگه

"Oh, that's going to be a surprise."

اوه، قراره به سوپرایز باشه.

What a **surprise** to find you here!

پیدا کردنت اینجا چه سوپرایزى بود.

I have a **surprise** for you!

برات يه سوپرايز دارم.

The whole thing is a **surprise** to us.

كل ماجرا براى ما يه سوپرايزه.

5.

A: What are you planning to do after graduation, Zach?

B: I'm getting married!

A: Really! That's exciting! You and Eva are such a perfect couple!

B: Eva? We broke up last year! I'm marrying my new girlfriend, Elizabeth.

A: Wow! Things change fast!

نکته 29: اینجا نفر اول بالاخره از يه ساختار متفاوت براى پرسیدن برنامه طرف مقابل استفاده

ميکنه و ميگه

"What are you planning to do after graduation, Zach?"

زک، بعد از فارغ التحصیلی برنامه ت چیه؟ (ترجمه راحت و خودمونی)

دقت کن که **graduation** نقش اسم رو داره، يعنى "فارغ التحصیلی".

What are your plans after **graduation**?

برنامه هات بعد از فارغ التحصیلی چیه؟

Congratulations on your **graduation**.

فارغ التحصیلیت مبارک.

و همینطور خود سوال هم قشنگه.

What are you planning to do?

برنامه ات چیه؟ / برنامه داری که چیکار کنی؟

What are you planning to do after the holiday?

بعد از تعطیلات برنامه داری که چیکار کنی؟

What are you planning to do after the weekend?

بعد از تعطیلات برنامه ت چیه؟

که باز هم نفر دوم با حال استمراری در مورد برنامه قطعی خودش صحبت میکنه و میگه

"I'm getting married."

دارم ازدواج میکنم. / میخوام ازدواج کنم.

نکته 30: نفر اول اینچوری واکنش نشون میده

"Really! That's exciting! You and Eva are such a perfect couple."

واقعاً! چالپه (هیجان انگیزه)! تو و آوا چه زوج فوق العاده ای هستید.

ایشون میتونست بگه

You and Eva are a perfect couple.

اما اومده از یه **such** برای تاکید بیشتر استفاده کرده. زمانی که داریم به کسی یا به چیزی رو توصیف میکنیم و میخوایم شدت و تاکید رو بالاتر ببریم، میتونیم ازش استفاده کنیم.

They're **such** nice people.

چه آدمهای خوبی هستن.

It's **such** a long way from here.

از اینچا چه راه طولانی ایه.

راستی **couple** میتونه به معنای "زوج" باشه، یعنی دو نفری که بهم ازدواج کردن یا رابطه ی عاشقانه دارن.

An elderly **couple** live next door.

یه زوج مسن کنارمون زندگی میکنن.

They're a lovely **couple**, aren't they?

زوج دوست داشتنی ای هستن، اینطور نیست؟

نکته 31: نفر دوم یهو میگه

"Eva? We broke up last year! I'm marrying my new girlfriend, Elizabeth."

آوا! پارسال جدا شدیم. دارم با دوست دختر جدیدم ازدواج میکنم، الیزابت.

وقتی دو نفر **break up** کنن، رابطه شونو بهم میزنن، از هم جدا میشن. اصطلاحا کات میکنن!

I want to **break up**.

میخوام جدا بشم.

I want to **break up** with you.

میخوام ازت جدا بشم.

I never said a word about my decision to **break up** with her.

در مورد تصمیم جدا شدنم از اون هیچ وقت حرفی ندم.

That couple **broke up** last year.

اون زوج پارسال از هم جدا شدن.

اینچا **marry** نقش فعل رو داره، یعنی "ازدواج کردن". نکته مهم اینه که نیازی به حرف اضافه ی with نیست.

He **married** Reyhane in 2002.

سال 2002 با ریحانه ازدواج کرد.

My friend will **marry** a rich man next month.

دوستم ماه آینده با یه مرد ثروتمند ازدواج میکنه.

I am going to **marry** Gudarz.

میخوام با گودرز ازدواج کنم.

I love you but I can't **marry** you.

عاشقتم ولی نمیتونم باهات ازدواج کنم.

که نفر اول هم چا میخوره و میگه

"Wow! Things change fast."

والی! اوضاع و شرایط چه سریع تغییر میکنه.

6.

A: I can't believe we're graduating next week.

B: Neither can I. So, what are you going to do next, Kristin?

A: I have no idea. I've been looking for a job, but haven't had any luck.

B: What kind of job do you want?

A: Oh, just about anything. I don't know....

نکته 32: اینجا نفر اول بده الگوی خوشگل با **believe** جمله ش رو میگه

"I can't believe we're graduating next week."

نمیتونم پاور کنم هفته آینده داریم فارغ التحصیل میشیم.

الگو چیه؟! مثال هارو ببین!

I can't believe we're moving in Tehran next week.

باورم نمیشه هفته آینده داریم میریم تهران.

I can't believe they're getting married next month.

باورم نمیشه ماه آینده دارن ازدواج میکنن.

I can't believe he's coming here tonight.

باورم نمیشه امشب (داره میاد اینجا).

که نفر دوم با جمله ی منعی نفر اول اینچوری موافقت میکنه و میگه

"Neither can I."

یعنی "منم نمیتونم باور کنم."

وقتی طرف مقابل یه جمله ی منعی میگه و ما میخوایم با اون جمله ی منعی موافقت کنیم، میتونیم از

neither استفاده کنیم و حالشو بگیریم. مثلا رفیقتم میگه

I don't like walking.

حالا منم پیاده روی دوست ندارم، میتونم بگم

Neither do I.

رفیقتم میگه

I am not hungry.

منم گرسنه نیستم و میتونم بگم

Neither am I.

رفیقتم میگه

I didn't watch the movie last night.

منم فیلم رو ندیدم و میگم

Neither did I.

رفیقم می‌گه

I can't stop smoking.

منم نمیتونم سیگارو بذارم کنار و می‌گم

Neither can I.

به همین راحتی!

نکته 33: در ادامه نقر اول می‌گه

"I have no idea. I've been looking for a job, but haven't had any luck."

نمیدونم. دنبال کار هستم، اما موفق نشده‌ام.

وقتی می‌گی **I have no idea** یعنی I don't know یعنی "نمیدونم".

از حال کامل استمراری استفاده میکنه و می‌گه

I've been looking for a job.

دنبال کار هستم. (از یه زمانی در گذشته شروع کردم و به طور مستمر هم ادامه داشته و هنوزم دارم می‌گردم). داره به پروسه ی دنبال کار کشتن اشاره میکنه و به همین دلیل از حال کامل استمراری استفاده کردن، کاری به نتیجه نداره، پروسه مهمه!

وقتی می‌خوای بگی در یه زمینه ای شانس نداشتم یا موفق نشده‌ام میتونی از **have no luck** یا **not have much luck** یا **have any luck** استفاده کنی.

I didn't have any luck.

یعنی "هیچ شانس نداشتم" یا "موفق نشدم".

I'm sure you will have no luck.

مطمئنم موفق نمیشی.

همینو میتونم اینچوری بگم

I'm sure you don't **have much luck**.

I'm sure you don't **have any luck**.

که نفر دوم هم میگه

"What kind of job do you want?"

چه نوع شغلی میخواهید؟

نفر اول هم بلا تکلیفه و میگه

"Oh, just about anything, I don't know ..."

اوه، هر کاری، نمیدونم.

در جملات مثبت **anything** رو میتونیم "هر چیزی / هر کاری" معنی کنیم.

عجب درس خوشگلی بود این درس!

جواب تمرینات کتاب

Page 66

Getting Ready

Vocabulary

- be famous
- be rich
- get married
- graduate (from college)
- have children
- travel

Answers

Answers will vary.

Listening 1

CD 3, Track 2

Vocabulary

- | | |
|---------------------|--------------|
| actor | pool |
| at the moment | professional |
| Better you than me! | singer |
| dangerous | surf |
| doctor | yard |
| garage | |

Skills: Listening for gist

Answers

- | | | |
|------|------|------|
| A. 5 | B. 6 | C. 3 |
| D. 4 | E. 1 | F. 2 |

Page 67

Listening 2

CD 3, Track 3

Vocabulary

- | | |
|-------------------------|---------------------------|
| babysit | nervous |
| clothing store | part-time job |
| excited | relax |
| hang around | spend time (with someone) |
| hang out (with someone) | take it easy |
| make money | unfortunately |
| movie theater | |

Task 1

Skills: Listening for plans

Answers

- | | | |
|------|------|------|
| 1. a | 2. b | 3. b |
| 4. c | 5. b | 6. c |

Task 2

Skill: Listening for attitudes

Answers

1. Not looking forward to the summer
2. Not looking forward to the summer
3. Looking forward to the summer
4. Looking forward to the summer
5. Looking forward to the summer
6. Not looking forward to the summer

Page 68

Listening 3

CD 3, Track 4

Vocabulary

break up (with someone)	medical school
dream about	right away
medical degree	

Task 1

Skill: Listening for details

Answers

- | | | |
|------|------|------|
| 1. a | 2. b | 3. b |
| 4. a | 5. a | 6. b |

Task 2

Skill: Listening for certainty

Answers

- | | |
|-------------|-------------|
| 1. Not sure | 2. Sure |
| 3. Not sure | 4. Sure |
| 5. Sure | 6. Not sure |



Because of your smile, you make life more beautiful.